

به نام خدا

نقد و بررسی شبهات افضلیت و اعلمیت امام علی (ع)

از دیدگاه علامه جوادی آملی

فاطمه فرخی^۱

چکیده

امامت مهم ترین آموزه شیعه که وجه تمایز این مکتب از سایر مذاهب است می باشد. امام، مورد عنایت ویژه الهی است زیرا هدف خداوند از خلقت و آفرینش انسان، هدایت و سعادت اوست که این مهم، بدون حضور امام در جامعه حاصل نمی شود، امامی که برترین شخص در جامعه باشد و از نظر علم و آگاهی توان فهم و درک و بیان نافذ داشته باشد. اما شبهات موجود پیرامون افضلیت و اعلمیت امام علی (علیه السلام) ممکن است موجب سستی اعتقاد افراد به این مسئله گردد. بنابراین مقاله حاضر به روش تحلیلی _ توصیفی سعی دارد این مسئله را از دیدگاه علامه جوادی آملی تحلیل نماید. باتوجه به دیدگاه های ایشان، می توان گفت از آنجا که نقش امام در جامعه، محوری است و خدا پیروی از او را راه رسیدن بشر به سعادت قرار داده است بنابراین امام نمی تواند شخص عادی مانند همه مردم باشد بلکه لازم است از فضیلت و اعلمیت برخوردار باشد.

واژگان کلیدی: افضلیت، اعلمیت، امام علی (ع)، علامه جوادی آملی، امامت

۱. طلبه سطح ۲ حوزه فاطمه الزهرا(س) قم، تلفن: ۰۹۰۱۰۱۱۷۱۵۲، ایمیل: fatemefarokhie۱۹@gmail.com

جهت درک کثرت فضائل حضرت علی (علیه السلام) برای شناخت شخصیت والای بهترین فرد بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باید به آخرین کتاب الهی؛ و احادیث معتبر عامه و خاصه علمای شیعه رجوع کرد هرکس صرفاً از طریق شناخت حاصل از معارف دینی می تواند به عظمت مقام روحانی و آسمانی حضرت علی (علیه السلام) و اولاد اطهرش توجه و عنایتی پیدا کند.

نظر ابن ابی الحدید از بزرگان اهل تسنن از فضیلت ها و مناقب امام علی (علیه السلام): «امتیازات انسانی علی (علیه السلام) از لحاظ عظمت و جلال و شهرت در آن حد اعلاست که شرح کردن و بحث و تفضیل دادن آن ها ناروا و بیهوده است... من چه بگویم در حق مردی که دشمنانش نتوانستند عظمت ها و فضائل او را منکر شوند و همه آنها به برتری شخصیت او اعتراف نمودند، تو خود می دانی که بنی امیه زمامداری اسلام را در شرق و غرب روی زمین بدست آورند وبا هر نوع حيله گری در خاموش ساختن نور او را کشیدند و هرگونه لعن و افتراء را برای علی (علیه السلام) ترویج نمودند هرکس او را مدح و توصیف می کرد مورد تهدید قرار می گرفت هر روایتی را را بازگو می کرد ممنوع ساختند، حتی از نام گذاری کودکان به نام علی (علیه السلام) جلوگیری کردند. این همه اقدامات و تقلاها جز ظهور عظمت و جلال شخصیت علی نتیجه ای نداد... در حقیقت این همه نابکاری های بنی امیه مانند پوشانیدن آفتاب با کف دست بود!!^۱»

در رابطه با دلایل برتری و اعلیت امام علی (علیه السلام) بر اصحاب و افراد دیگری تا کنون مقالات و کتب مختلفی تدوین شده است، مانند کتاب "امامت" علامه جوادی آملی نوشته حجت السلام سید احمد بابایی چگینی، کتاب "اختصاصات حضرت علی (علیه السلام)" نوشته حسین عمازاده، کتاب "پیام امام امیر المومنین نوشته آیت الله مکارم شیرازی، "حیات عارفانه امام علی" برگرفته از آثار آیت الله جوادی آملی و همچنین مقاله های "حکمت علمی یا اخلاق مرتضوی" نوشته آیت الله مهدی الهی قمشه ای. اما تحقیقی جامع که بتواند دلایل اعلیت و افضلیت امام علی (علیه السلام) را بر دیگر صحابه از جوانب مختلف در میان اهل سنت بررسی نماید و

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۸۳

شبّهات پیرامون این مسئله را از دیدگاه علامه جوادی آملی بررسی کند تا کنون تدوین نشده است، که مقاله حاضر به این امر می پردازد.

برای این منظور در این مجموعه سه نکته بررسی می شود:

✱ مفهوم شناسی

✱ نقد و بررسی شبّهات افضلیت

✱ نقد و بررسی شبّهات اعلیّیت

اول-مفهوم شناسی

افضلیت نعت تفضیلی است از فضل به معنای فاضل، برتر. و در اصطلاح افضلیت دو معنا دارد: یکی برخورداری از پاداش اخروی. و دیگری برتری در ویژگی های آنچه که امام در آن امور پیشوایی مردم را برعهده دارد، مانند: دانایی و شجاعت^۱. از دو معنای پیشین آن چه که بیشتر مورد توجه متکلمان امامیه واقع شده معنای دوم است.

اعلیّیت: کلمه اعلم از ریشه علم بر وزن اُفعل تفضیل است و به معنای عالم تر، دانشمند تر، و آگاه تر می باشد. و در اصطلاح به کسی گفته می شود که ملکه استنباط و اجتهاد احکام شرعی برای او بیش تر از بقیه حاصل شده باشد و یا طبق نظر برخی دیگر اعلم کسی است که فنون و طرق استنباط احکام شرعی را بیش تر از بقیه می داند و یا علمش به احکام شرعی از دیگر فقها بیش تر است^۲.

دوم- بررسی شبّهات افضلیت

۱. افضلیت امام علی (علیه السلام) از دیدگاه مذاهب

الف) شیعه

۱. المسک فی اصول الدین، ص ۲۰۵

۲. ر.ک صحیف امام، ج ۲۰، ص ۱۲۱-۱۲۰

همه متکلمان شیعه امامیه برتری امام را از شرط های مهم او می دانند، برای مثال، خواجه نصیر طوسی درباره ضرورت افضلیت امام می نویسد: ((امام باید افضل از ملت خود باشد؛ زیرا اگر مساوی دیگران باشد، ترجیح او بر آنان بی مرجح و محال است؛ چنانکه اگر فروتر از دیگران باشد، تقدیم مفضول و مرجوع لازم می آید که عقل آن را قبیح می داند.)) سپس می افزاید: به مقتضای این حکم، امام باید از همه جهات (علم، دین، کرامت، شجاعت و ...) برتر از دیگران باشد.^۱ متکلمان شیعه به لزوم افضلیت برای امام معتقدند؛ برای مثال، ابواسحاق نوبختی می گوید: (و واجب فی الإمام أنه أفضل بالعلم و الشجاعة و الزهد لقبیح تقویم المفضول علی الفاضل)؛ یعنی امام باید در علم، شجاعت و زهد بر دیگران برتری داشته باشد؛ زیرا تقویم مفضول بر فاضل قبیح است.^۲

علامه حلی می نویسد: (و یدخل تحت هذا الحكم كون الإمام أفضل فی العلم و الدین و الکرم و الشجاعة و جمیع الفضائل النفسانية و البدنية)؛ افضلیت در علم، دین، کرم، شجاعت و همه فضایل نفسانی و بدنی در حکم وجوب برتری امام داخل است.^۳

ابن میثم بحرانی میگوید: (امام باید در همه آنچه که کمال انسانی نامیده می شوند، بر افراد ملت برتری داشته باشد؛ زیرا وی پیشوای امت است و کسی که پیشوای دیگران است، باید از آنان برتر باشد و عقل پیشوایی کسی را برکسانی قبیح می داند که از او برترند.^۴

مراد از افضلیت در سخن امامیه، در داشتن صفات کمال است؛ نه مقرب تر بودن در پیشگاه خدا که برای کسی دست یافتنی نیست.^۵

(ب) اهل سنت

۱. کشف المراد، ص ۳۹۲

۲. الیاقوت فی علم الکلام، ص ۷۶

۳. کشف المراد، ص ۳۲۹

۴. قواعد المراد، ص ۱۸۰

۵. المسک فی اصول الدین، ص ۲۰۵

گروهی برتری را اولی و ارجح میدانند، نه واجب. برخی دیگر که افضلیت را از شرط های امام می دانند، معتقدند اگر انتخاب امام افضل باعث اختلاف و چند دستگی مسلمانان شود، امامت مفضول مشروع خواهد بود. گروهی از بزرگان معتزله و اشاعره امام را نه لازم^۲ می دانند و نه ارجح؛ یعنی نه شرط کمال است و نه شرط مشروعیت. فخررازی درذیل آیه مباهله درباره برتر نبودن حضرت علی (علیه السلام) : در ری مردی بود به نام محمود بن حسن حَمَیّی که آموزگار دوازده امامی ها بود و می پنداشت علی از همه انبیاء جز حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) برتر است. او استدلال می کرد آنچه بر این مدعا دلالت می کند، قول خداوند است: (وَأَنفُسَنَا وَ أَنفُسَكُم) زیرا مراد از (أَنفُسَنَا) خود پیامبر نیست؛ چون انسان خودش را دعوت نمی کند، بلکه غیر خودش مراد و براساس اجماع، وی علی (علیه السلام) است؛ پس آیه مباهله دلالت می کند علی نفس پیامبر است که درود خدا بر او و خاندان پاکش، است. البته نمی تواند مراد این باشد که وی عین است؛ پس مراد آن است که مانند اوست. این عموم همانندی در جهت نبوت و فضل تخصیص خورده است؛ زیرا اجماع داریم که علی (علیه السلام) پیامبر نبوده و پیامبر از ایشان افضل بود؛ ولی عموم همانندی در غیر این دو پایدار می ماند. همچنین اجماع داریم که پیامبر اکرم (ص) از دیگر پیامبران برتر است؛ پس حضرت علی (علیه السلام) از همه پیامبران برتر است.

... روایتی که می گوید "هر که می خواهد آدم در عملش، نوح را در اطاعتش، موسی را در هیبتش و عیسی را در پاکی اش ببیند، به علی بنگرد" و استدلال بر اساس این آیه را تأیید می کند. دیگر شیعیان نیز از قدیم به این آیه استدلال می کردند که حضرت علی (علیه السلام) مانند خود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است؛ مگر در چیزهایی که با دلیل استثنا شده باشد؛ پس پیامبر اکرم برتر از همه صحابه و حضرت علی (علیه السلام) برتر از صحابه است. عقیده شیعه این بود. فخر رازی معتقد است که همانگونه که اجماع داریم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) از حضرت علی (علیه السلام) افضل است، اجماع داریم که پیامبر از غیر پیامبر

۱. شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۴۶

۲. ر.ک: همان

آنچه از دین رسیده است، آگاه باشد؛ زیرا او در همه کارها فرمانده است و از این بر نمی آید که او باید به همه کارهای وابسته به دین نیز دانا باشد و نه لازم است در آن ها و بر آنان پیش گام باشد، و امام علی (علیه السلام) باید دانا باشد هر چند هیچ وابستگی به کار های دینی نداشته باشد؛ چون امام در ساختنی ها و پیشه وری ها پیشوا و فرمانده نیست و هرگاه در میان مردم در این کارها ناسازگاری و گفت گو پیش آید، امام آنان را به کسانی ارجاع می دهد که از آنان آگاه اند و سخنانشان در آن کار پیش او درست است و از گفتار او به آنچه می داند و از سوی خدا برتر از همه چیز است، فرمان می دهد؛ پس اگر کسانی که از چیز های ساختنی آگاه اند نا همسان بگویند، به سخن کسی تکیه می کند که از همه رستگارتر است و چنانچه همه در درستکاری باشند، سخن یکی از آنان را برمی گزیند و این کاری است که او باید انجام دهد و میان اصحاب ما کسانی هستند که می گویند او آنچه را باید بداند، همه را از گفتار آشکار خدای برتر از همه چیز که به او می رسد، می داند و روایات و خبر هایی در این باره می آوردند. اگرچه او باید همه این راه را بداند، نمی توان گفت چنین باشد زیرا بر آنچه نخست گفتیم باید تکیه کرد.^۱

وی همچنین می گوید: ما علم امام علی (علیه السلام) را در محدوده ای که به مقام وی ربط دارد، لازم شمردیم؛ در نتیجه در چیزهایی که به مقام امامت او ربط ندارد، علم او لازم نیست؛ زیرا امام علی (علیه السلام) در آن زمینه ها از سوی خدا به ریاست انتخاب نشده است و هرگاه در این موارد اختلاف افتاد، امام علی (علیه السلام) به اهل خبر رجوع می کند و بر اساس تشخیص آنان نظر می دهد.^۲ شیخ هم چنین محدوده زمانی علم امام را زمان امامت می داند، نه پیش از آن و در این باره به کمال در علم معتقد است.^۳

۲. اثبات اعلیت امام علی (علیه السلام) از دیدگاه جوادی آملی

انسان کامل آینه ای است که جز جمال، کمال و جلال خداوند چیزی را نشان نمی دهد و هرچه از جمالف کمال و جلال حق در آن بتابد، همان را می نمایاند. آینه شفاف از خود چیزی ندارد و هر صورتی که مقابل آن قرار گیرد همان را نشان می دهد. گفتار، اعمال، تقریر، سکوت و همه شئون زندگی انسان کامل نیز نمایانگر خداست؛

۱. الاقتصاد الاصول فی علم الکلام، ص ۸۱۳

۲. تمهید الهادی الی الرشاد، ص ۱۹۲

۳. همان، ص ۱۹۳

چون همه چیز او برای خداوند متعال است؛ از این رو قول، فعل و تقریر وی حجت است. برجسته ترین مصداق انسان کامل، حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است؛ زیرا شخصیت ممتازی است که نه در گذشته تاریخ و نه در آینده آن مماثل دارد؛ زیرا وی مظهر خدایی است که مثل و همتا ندارد: (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)¹ و (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)² و نور آن حضرت در مقام صعود و عالم غیب با نور رسول اکرم متحد است.

آن حضرت مظهر اسم اعظم خداست که عالی ترین درجه است. اسم اعظم نه لفظ است تا با تلفظ آن بتوان در عالم تصرف کرد و نه مفهوم، وجود ذهنی و حصولی است تا با تصور آن مشکلی حل شود، بلکه مقام است که هرکس به آن برسد، می تواند در عالم تصرف کند و منشأ کارهای خارق عادت شود. شکی نیست رمز رسیدن علی به مقام اسم اعظم، قلب سلیم آن حضرت است که چیزی جز مهر حق در آن نبوده است چنانچه امام عسکری (علیه السلام) فرمود: (قلوبنا أوعية لمشية الله)³

بر این اساس، جان علی (علیه السلام) مظهر اراده فعلی حق است. او با اراده خود، مراد را خارج از صحنه نفس خویش محقق می کند؛ یعنی همان گونه که با صدور فرمان (کن) و اراده تکوینی خداوند در مقام فعل، هر امری محقق می شود. با (بسم الله) آن حضرت نیز هر چیزی پدید می آید؛ زیرا (بسم الله) آن حضرت در حکم (کن) از خداوند است و فعل خدای سبحان در موطن قلب ولیّ خود، یعنی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) ظهور می کند، او مظهر کرامت، سلامت، هدایت، رحمت، حلم و حقانیت الهی است.

۴. سوره شوری، آیه ۱۱

۵. سوره اخلاص، آیه ۴

۱. کتاب الغیبه، ص ۲۴۷؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۳۷

نتیجه گیری

پس از بررسی که از افضلیت و اعلییت امیرالمؤمنین در این تحقیق شد به وضوح پی می بریم که بزرگان مورد اعتماد از اهل سنت که بدون جانبداری قومی و قبیله ای معترف به اولی و احق بودن حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب نسبت به دیگر صحابه شده اند. و عقیده باطنی و درونی همه آنها این است که جانشین بلافضل بعد از پیامبر حضرت علی (علیه السلام) می باشد لکن عاملی که مانع می شود آنها به طور آشکار در رسانه های عمومی خود به این فضائل بپردازند جانبداری های بی مورد از بزرگان و مسائل سیاسی و اجتماعی است چرا که شالوده فکری و اعتقادی آنها در محیطهایی پرورش یافته که ریشه در جریان سقیفه دارد. فلذا تنها راه بروز اعتقادات درونی آنها کتابهایی است که در مورد فضائل و علم علی بن ابیطالب نوشته اند و خودشان معترفند که برای اتحاد و اتفاق شیعه و سنی باید از رفتارها و سخنان امیرالمؤمنین پیروی نمود و راه آن حضرت را الگوی راه خود قرار داده بعد از غروب غم انگیز و اندوهبار آفتاب نبوت حضرت ختم المرسلین (صلی الله علیه و آله وسلم) تمامی جلوه های الهی در چهره ملکوتی امیر ابرار و فخر روزگار حضرت مولی الموحدين و امام المتقین امیرالمؤمنین (علیه السلام) متجلی شد و تمامی حق خواهان عالم جملگی می بایست استضاءه از آن مظهر فروزان انوار حق و هدایت و روشن گر طریق سعادت می نمودند. لکن سیمای شمس منیر خلیفه الهی امام علی (علیه السلام) از ستم سقیفه مشؤوم در هاله ای از مظلومیت قرار گرفت و حضرتش، معصومانه به انزوا کشانیده شد.

سخن گفتن از مقام عظمای حجت مطلقه الهی، وسیع تر و متنوع تر از این است که یک فرد بتواند در همه جوانب و نواحی آن وارد شود و توسن اندیشه را به جولان درآورد به قسمی که رسول خاتم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لا يعرفک الا الله و انا...»؛ تو را کسی شناخت الا خدا و من و اگر نبود، دربارهاات همچون عیسی (علیه السلام) غلو می نمودند حدیثی در فضل و منقبت تو می گفتم که مردمان با شنیدن آن خاک قدومت را به جهت شفا و تبرک ببرند و توتیای دیدگان خود کنند. در فضل و منقبت چنین شخصیتی همین را بس که دوست و دشمن زبان به مدح و فضیلت او گشودند. چنانچه بزرگان اهل سنت در فضل و منقبت او کتاب های مستقل نوشته اند و دریای بیکران مناقب او از چشم آنها دور نمانده است.

از مطالب گفته شده این نتایج نهایی حاصل می شود که:

۱. عصمت علی (علیه السلام) همچون عصمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شود - امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تمام فضائلی که برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است، هم سطح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است؛ غیر از مسئله نبوت و دریافت وحی از خداوند و این دلالت می کند بر عصمت علی بن ابی طالب (علیه السلام). چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم معصوم بوده است و غیر معصوم را نمی شود نفس معصوم قرار داد.

۲. علی (علیه السلام) مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله)، *أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ* می شود: این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): *«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»* است و ولایت تامه بر جان و مال مؤمنین داشته، حضرت علی (علیه السلام) هم این ولایت را دارد.

۳. علی (ع) هم افضل بر تمام انبیاء به غیر از رسول الله (صلی الله علیه و آله) می شود چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) افضل همه خلائق حتی انبیاء (علیه السلام) و ملائکه بوده است و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم طبق آیه شریفه مباحله، از همه انبیاء (علیه السلام) و ملائکه برتر است؛ چون مساوی اکمل، خود هم اکمل است.

۴. دانش الهی امیر المؤمنین علی (علیه السلام) از جمله مستتلی است که بین هیچ یک از فرق اسلامی اختلافی نیست علم علی ابن ابی طالب فراتر از مذاهب اسلام رفته تا آنجا که تمامی اسلام شناسان و دانشمندانی که از ادیان دیگر به مطالعه می پردازند، اعتراف کرده اند که بعد از رسول اکرم احدی در علم، به علی ابن ابی طالب نمی رسد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آمری، سیف الدین، ابدکار الأفكار فی اصول الدین؛ تحقیق: احمد محمد المهدی، قاهره، دارکتب والوثائق، ۱۴۲۳ق.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الاحیاء، ۱۴۱۱
۳. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویه، قاهره، مؤسسة قرطبة ۱۴۰۶
۴. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان؛ چاپ یکم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳ش.
۵. ولی زاده، علی رضا، اهل سنت پاسخ می دهند، چاپ اول، نشر رشید، ۱۳۸۹.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، جلد ۱۳، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷.
۷. شفیعی، حسین، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۴۲۱ق.
۸. جوادی آملی، عبدالله، حکمت نظری و عملی در نهج البلاغه، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.